

۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر

امسال از اعلام روز جهانی حقوق بشر ۴۹ سال می‌گذرد. اعلام چنین حقی برای انسانها در نتیجه مبارزه و پیکار سترگ آنان با استعمارگران، نظامهای مستبد داخلی و اربابان خارجی آنان نقطه عطفی در تاریخ معاصر مبارزات ملل دریند استعمار نو و امپریالیزم میباشد.

اساس کلام اعلامیه جهانی حقوق بشر، تساوی بودن تمامی انسانهای کره زمین بدون توجه به رنگ پوست، جنس، نژاد و ملیت و قائل نشدن امتیاز خاص صرف قرار گرفتن در رده خاص اجتماعی به فرد می‌باشد.

در کشورهای استبداد زده‌ای چون ایران که رژیمهای حاکم بر آن تمامی حقوق انسانی را از فرد فرد اهالی سلب کرده، ستم چندگانه به ملل غیرفارس اعمال میکنند، برای فرزندان روشنفکر ملل مختلف ایران، از آنجمله ترکمنها آشنایی با متن این اعلامیه جهانی ضرورت خاص دارد. ایران که خود از امضاء کنندگان کنوانسیون حقوق بشر می‌باشد با وحشیگری تمام هم در زمان خاندان منحوس پهلوی و نیز در رژیم کنونی به هیچ یک از مفاد این اعلامیه جهانی پایبند نگشته، دائماً حق آموزش به زبان ملی، اجرای مراسم ملی و دینی ملل غیرفارس و غیر شیعه را با شیوه های ترور و سرکوب لگدکوب نمود.

هیئت تحریریه "گنگش" بمنظور آگاهی خوانندگان خویش همراه با این شماره، متن اعلامیه جهانی حقوق بشر را بصورت ویژه نامه‌ای بزیبانهای ترکمنی و فارسی/پا الفباهای عربی-فارسی و سریلیک(روسی) منتشر نمود.

در این شماره:

- نخبگان و سفالگان (۲) ص ۲
 ۹-نجی دسامبر... ص ۳
 انه دیل حاقیندا ص ۶
 میلی کالیندار ص ۱۰
 حکایه..... ص ۱۸

تراژدی ۹ دسامبر

از تقسیم ناجوانمردانه سرزمین ملی تورکمن میان دول استعماری ایران و روس امسال ۱۱۷ سال میگذرد. در نهم دسامبر ۱۸۸۱ در نتیجه انعقاد قراردادی موسوم به تقسیم سرزمینهای متصرفی بین دولت ایران و روسیه تزاری سرزمین ملی ترکمن دویارچه گشت. ترکمنستان تحت اشغال روسیه اینک بصورت کشوری مستقل در صحنه تاریخ ظاهر گشت، ولی بعلت اعمال سیاستهای بغایت شوونیستی سردمداران پهلوی و آخوندهای حاکم، ترکمنستان جنوبی همچنان در اسارت بسر می‌برد.

این قرارداد اساتبار در حالی منعقد گشت که سرزمین ترکمن تحت اشغال بوده، و اشغالگران با مردم و سرزمین همانند قوانین سرزمین تحت اشغال بهنگام جنگ رفتار کردند، هیچ ترکمنی در جریان اجرای این قرارداد شوم چه مستقیم و چه غیرمستقیم دخالت نداشته و بدین ترتیب این قرارداد خائنانه از هیچگونه حقوق قانونی برخوردار نمی‌باشد. رژیمهای منعقد کننده قرارداد نیز در قعر جهنم قرار دارند، ولی با این وجود میراث شوم آنها در نتیجه نبود حکومتی مقتدر در ترکمنستان شمالی و زورگویی‌های آخوندهای حاکم بر ایران و نقشه‌های ضد ترک و ترکمن پان فارسیستهای دو آتشه نه تنها سرزمینهای متعلق به ترکها، بلکه سرزمین بلوچها، کردها و اعراب نیز تکه-تکه گشت.

دوران ما دوران وحدت و اینتگراسیون ملل می‌باشد، آلمان، ویتنام، یمن دویارچه شده بهم پیوستند. مردم ترکمن و برادران آنها بالاخره بر مقتدرات سرزمین خویش حاکم شده، این میراث شوم استعمار را برای همیشه از سرزمین پدری‌شان دور خواهند کرد

پیش بسوی برگراری کنفرانس سراسری مبارزین ترکمن!

نخبگان و سفلگان و عقب ماندگی تاریخی روشنفکران ملت حاکم بر ایران (۳)

روحیه خود بزرگبینی و خودفریبی

یکی از نتایج تبعی دیکتاتور زدگی و حاکمیت متوالی سفلگان شوونیست در ایران، ایجاد روحیه خود بزرگ بینی کاذب و خود فریبی در مردم است. زیرا، این حکومتها، مجبور بوده اند همیشه هر آنچه را که با زندگی جاری توده ها قابل توجیه نبوده است، بسا فرا خواندن ارواح گذشتگان و بسا رجزخوانیهای کر کننده از افتخارات نیاکان سغله خود در کشورگشایی ها و ایجاد امپراطوریا، ردالت خویش را در پشت سر 'عظمت نیاکان'، پنهان بسازند. ترویج خود بزرگ بینی در طول سالیان دراز از طرف سفلگان حاکم، در میان ملت فارس، این باور کاذب را در این ملت رشد داده که گویا گهواره تمدن بشریت فقط و فقط سر زمین آنها بوده و هر آنچه که اینک در جهان وجود دارد و هر پیشرفتی در عرصه های مختلف در جوامع امروزه بشریت، تماماً مدیون نیاکان با فراست آنهاست. روحیه خود فریبی که مردم را از واقعیت های زندگی خود دور ساخته است، ملت فارس را از درک ظرفیت و توان واقعی و آگاهی از میزان حقیقی قدرت تأثیرگذاری بر محیط خود و میزان تأثیر پذیری این ملت از تمدنهای امروزه بشریت و از پذیرش دستاوردهای دیگر ملت های ساکن در ایران، محروم ساخته است. پیامد سیاسی، تقویت هر روزه روحیه خود بزرگ بینی و خود فریبی، در میان ملت حاکم بر ایران نیز اینستکه، گویا همه ملت های تشکیل دهنده ایران امروزی، حتماً باید همانند این ملت بیاندیشند و شیوه و نحوه زندگی وی موبه مو باید ملاک زندگی دیگران قرار بگیرد. زبان، مذهب و آداب و رسوم این ملت های تحت ستم نیز نباید چیزی خارج از یک کپی برداری اجباری از این 'ملت برتر' باشد!!

از نظر سفلگان حاکم، چه سلطنت طلب و چه قهقرا طلب مذهبی، وجود ملت های دیگر در ایران، در میان ملت فارس اینگونه تبلیغ میشود که گویا این امریست گذرا و آنها نه ملت هایی با ویژگی های ملی کاملاً متفاوت از نظرمآهوی با ملت فارس، بلکه 'عشایر' و یا 'اقلیتهای مذهبی' بیست نیستند که مراحل رشد و تکامل خود تا استحال شدن در ملت فارس را طی میکنند!! عدم تبعیت از این رشد و تکامل و عدم پذیرش قیومیت ملت حاکم نیز جزتمرد از برترین تمدن و

فرهنگ بشریت بر کمره عرض و معنای جز خدشه دار کردن 'تمامیت ارضی' این کشور مقدس و باستانی نداشته و مستحق هر نوع برخورد و یا حتی نابودی متمدین تحت عناوین 'مبارزه با تجزیه طلبان'، 'سرکوبی اشراک' و 'تأمین امنیت ملت' و یا 'سرکوبی محاربین با خدا' و حتی قتل عام آنها تحت عنوان 'مفسدین فی الارض' و... کاملاً قابل توجیه است! انعکاس این روحیه خود بزرگ بینی و خود فریبی، در بین احزاب و گروه های سیاسی ملت فارس رامیتوان در تفاوت برخورد آنها با تاریخ و مسایل ملی و سیاسی در ایران و در نحوه گزینش ایدئولوژی آنها، دریافت. بدین ترتیب که احزاب و گروه های سیاسی ملت حاکم، همیشه ددمنشسی و بربریت و ناآگاهی نیاکانشان را عین 'تمدن و شکوفایی ایران باستان' و کشورگشایی و تراژدی های خونین امپراطوران گذشته ایران را عین 'افتخار و قهرمانی گذشتگان' خود محسوب میکنند. به زعم آنان، ناآگاهی نیاکان آنها و تراژدی های خونین آن دوران در کشورگشایی ها، امروزه نیز با توسل به هر شیوه ای و با زیر پا گذاشتن حقوق دیگر ملت های ساکن در این امپراطوری سابق و به تاریخ سپرده شده، باید تکرار گردد! و این چیزی نیست جز سیر دادن در انکار گذشته های تیره و تار و آرزوی زنده کردن مردگان تاریخ و بر تخت نشاندن افکار آنها در هیبت احزاب و گروه های سیاسی امروزی ایران در دنیای کنونی! هر چند که این طرز برخورد به تاریخ کاملاً غیر منطقی و عقب مانده است. مثلاً، روشنفکران و نخبگان امروزی امپراطوری های سابق جهان، همانند روم و یونان باستان و قرون وسطی یاد کرده و آنرا تراژدی های خونین و نتگی بر تاریخ بشریت میدانند. برای روشنفکران امروزی این بزرگترین امپراطوری های سابق دوران باستان و قرون وسطی، بیشتر کتکاش در مورد دستاوردهای علمی و رشد فلسفه و اندیشه فلسفه و دانشمندان آن دوره مطرح است که بعنوان طلایه داران دانش و معرفت بشریت در سیاه ترین دوره از تاریخ بشریت و در بحبویه کشورگشایی سفلگان خود، نور دانش و علم را افروخته نگه داشتند و این افتخاریست بزرگ برای نسل امروزی آنها و برای کل بشریت. بقیه در ص ۵

۹-نجی دسامبر تراژدیسی

9-NCI DECEMBER TRAGEDISI

۱۸۸۱-نجی ییلینگ ۹-نجی دسامبرینده گوک دپه قالاسی نینگ سینانیندان ۱۱ آی سونگ، ایران-روس دوولتتری الهنج بیر شرط نامه اساسیندا تورکمن توپراغینی اوز آرالاریندا پایلاشیارلار. شرط ناما، "باسیلیپ آنسان توپراغی اوز آرا پایلاشماق اوغرونداقی شرط نامه" دیلیپ آد بئریلیدیر. دیمک باسیبالجی دوولتئر، تورکمن توپراغینی ایلیکی قانا چایقاپ باسیپ آلانیدیقلارینی سونگ بولسا اونو اوز آرالاریندا پایلاشانیدیقلارینی بویون آلیپدیارلار. شرط ناما، ایران طاراپیندان داشاری ایشلئر وزیرى میرزا سعید خان موتمن الملک، اورسلار طاراپیندان بولسا یورته بئله نئن ایلچی ایوان زینوویف قول چکیار. شئله-ده بو شرط نامانینگ ماده لاری نینگ دولی یئرینه یئتیریلیمک اوغروندا ۱۸۹۴-نجی ییلینگ ۹-نجی نوامبرینده آشغابادا کلن ایران وکیلی محمدصادق خان امیر تومان، روس وکیلئری بیلن دوشوشیب، بیر ایلاشیغا قول قویارلار. آراچاک اوغروندا قول چنکیلنن ایلاشیغینگ ۶ و ۷-نجی ماده لاری شئله راک:

۶-نجی ماده:

"ایران دوولتی آستراباد و حوراسان توئرئنگیندن هر حیل یاراغینگ یورت داشینا چیقاریلماغینگ اوتگونی آلا، شئله-ده ایران چاگینه دوشنن تورکمنلره اوق-یاراغ یئتمگی نینگ اوتگونی آلا. ایران دوولتی نینگ بئللان سرحد قار اووللاری بو حاقد ا روس طاراپیندان گیزلین یاراغ سووداسینی ادمنکچی بولیان آداملارینگ اوتگونی آلاق اوغروندا ادیان آلاالاری بیلن اورتاق ایش آلیپ بارارلار.

۷-نجی ماده:

بو شرط نامانینگ دولی یئرینه یئتیریلیمگی و آراچاگینگ قولیندا یاشایان تورکمنلرینگ

حرکتلرینی کانترول ادمک اوچین، اورسینت دوولتی، ایران سرحدینه قاوول بئللماگه حاقلیدیر. بئله نئن آداملار باسیلیپ آنسان توپراقلاردا آسودالیغی قوراماغا هر ایکی دوولت طاراپیندان دولی اختیارلیدیرلار".

۱۹۱۷-نجی ییلدا اورسینتده پادشالیق دوزگونینگ ییقلیماغی، شئله-ده ۱۹۲۵-نجی ایراندا حاکمیتینگ قاجارلاردان، پاهلوی اروغینا گنجمنگی بیلن آراچاک باراداقی قیسیشلار بئراکاپ اوغرایار. ۱۹۲۱-نجی ییلدا روس بولشویکلری ایران بیلن دوستلیقی قاتناشیق باراسینداقی شرط ناما قول قویار. شئله لیک بیلن اوزونی دونیا زاحمتکلئر هم ازیلن حالقلارینگ یئر یوزوند آکی یکه-تاک حوانداری دیپ جار ادن بولشویکلئر اورسیت پادشاسی نینگ آراچاک باراسینداقی سیاستینی دولی یئرینه یئتیریار.

دوغانی دوغاندان ایرا سالماق، تاریخیمیزده آیلغانچ بیر واقعا، قارا تکمیل بولدی. آراقاتاشیق کئسینلندن سونگ بیر توپار تراگیکی حادیتلار یوزه چیقدی. یاش گلینئر، یان یولد اشلاریندان، کورپه بالالار آتا یا-دا انه لئریندن، ارکک دوغان آیال دوغاندان جدا دوشوب، دپدارلاشماق قیاماتا قالدی. قیزیل اترکده، آراچاگینگ اول یوزونده اولنن دوغانی نینگ جایلاشینی گوروپ، اونونگ آیدینا باریپ بیلمان ایچی-باغری قان بولوپ توتاشانی دئرسینگی، قارشى رادیولاردان حوسسارلارینگ آدلاری توتولار اویندیب، اولینچالئر رادیونی دینگلأپ گنجئلئر دئرسینگی، آی قاراض باریسی آجی گونلئردی. جرگلانینگ سرحد یاقاسینداقی اوبالاردا اوراق اوروپ یورئن و اغتلاری، سرحد قار اووللارینا دوشوندورمئجک

۹-نجی سامیر...

بولوپ آیدیم اوستی بیلن یکی یانداقیلار اوز
 حوسسارلارینی سورایشلاری آجی گونلئرینگ
 تراگندیا سیدیر. حوجه نپسده بیر یاشولی اولمئرینگ
 اونگ یانیندا "یوزومی قایراق (تورکمینستانا) طاراپ
 باقدیریب جایلانگ" دییب وصیت ادنمیش، اول بنده
 تا اولینجا اسنقولیدا قالان او یاسینی نینگ زارینی
 چنکیپ گنجیدیر.

آراچا کینگ برک کنترول ادیب، قاتا وینگ کئسیلمگی
 لاله-حوودیلئریمز-ده هم اوز ایزی قالدیریدیر:

قایرا-قایرا باقارمن
 دو قما داراق قاقارمن
 شول قایرانی گورمشم
 ارآپ-ارآپ آقارمن

یا-دا

قایرا-قایرادا قالدی

اوقلار یارادا قالدی

بیزینگ بیلن دنگ-دوشلار

بیزدن قایرادا قالدی

(بو یئرده قایرادان ماقصات تورکمینستاندیر)

یا-دا:

بو غالانینگ داشی حالقا-حالقا

چیقابیلمن قالقا-قالقا

ای حوداییم منی یالقا

قالدیم اورسیتت قالاسیندا.

یا-دا:

جانیم گئزنگ دوزی

هم قویون اوتلار هم قوزی

قوری سین اورسینگ یوزی

سوردی، چیقاردی بیزی.

بو الهنج شرط نامه، تورکمن حالقی نینگ تاریخیندا
 اینگ قارا لکه بولوپ، میللتیمیزینگ اقبالی نینگ
 نثرسه چویریلیمگینده کئسگیتنجی رول اوینادی.
 بو شرط نامه تورکمن حالقینان روغصاتسیز
 باغلاشیلانی اوچین هیچ حیل قانونی حقوقا ایه
 دال، قالیبیرسه بو گون اونگا قول چنکئن
 حکومتلئرینگ هیچ قایسی یوق. نه روس تزاری بار،
 نه شوروی، نه قاجار، نه-ده پاهلوی حکومتی.

بیزینگ دووریمیز میللتلئرینگ آیریلیان دال-ده
 بیرلشسیان دووری، اینها ایکأ بولننن آلمان، ایکی
 بولننن یمن، ویتنام، حتای هونگ-کونگ یالی یورتلئر
 بیرلششدیلئر، اما تورکمن تویراغینی ایراندیر
 آوغانیستان آراسیندا بولنن شوم سیاست هنیز بو
 گونه چنتلی دوام ادیب گئیأر.

آقمیرات گورگنلی

"من اولسئم، جسئدیمی انه توپراغا
 آشیریب جایلانگ. اگر التدریمئسه لئر
 پول بیلن آشیرینگ. اگر بو-دا بولماسا
 جسئدیمی حول آقیپ یاتان آمی دریا
 تاشلانگ، من تورکمن ایلینه دریا بیلن
 بارارین، بولماندا جسئدیمی ایئن
 بالیقلار بیلن بارارین."

میلی قاهریمان، جونید حانینگ اولوم

یاستیغینداقی وصیتی

سفنگان و نخبگان...

مسئله فوق، بستر مناسبی در سغله پروری و پیوستن گروهها و احزاب سیاسی ملت حاکم بر ایران به حکومت سفنگان، جهت حفظ آب و خاکی که نه فقط متعلق به ملت فارس، بلکه تعلق به ملت‌های دیگری نیز دارد که در چارچوب این امپراطوری ورشکسته و بتاریخ سپرده شده به اصطلاح زندگی میکنند بر روی این آب و خاک خود، حق زیستن آنها بنابه طبیعت خود، قرن‌ها ست از آنها سلب شده است.

از سوی دیگر چسبیدن به آب و خاک از طرف احزاب و گروههای سیاسی ملت فارس، نه تنها خصیصه ایست شونوینستی و تلاش مداوم در جهت گسترش آن بحساب دیگران، نه تنها روحیه ایست فاشیستی، بلکه نمه ایست از فرهنگی فئودالی و خان زادگی که این احزاب و گروههای سیاسی به آن آلوده اند!

اما در گزینش ایدئولوژی و مثنی سیاسی، گروهها و احزاب سیاسی ملت حاکم، چارچوب آب و خاک ایران زمین را در هم شکسته و هر یک از آنها، از فرا سوی اقیانوسها و قاره‌ها، نسخه‌ای جهت حل مسائل اجتماعی - سیاسی، اقتصادی و ملی توده‌های مردم به‌مراه آورده اند.

یکی، حل تمامی مشکلات ایران زمین خود را در پیاده ساختن سوسیالیسم دولتی به سبک اردوگاه سوسیالیسم واقعاً موجود سابق در ایران و دیگری حلال مشکلات مردم ایران رادرتئوری سه جهان بسرکردگی چین و زعیم کبیر آن مائو و حتی از مثنی آلبانی انور خوجه میدانست! باز یکی تنها راه خروج ایران از بن بست سیاسی و اجتماعی را تبعیت از مثنی گریلایی آمریکای لاتین به زعامت چه‌گوآرای فقید و پیاده ساختن سوسیالیسم دولتی به شیوه فیدل کاسترو میدانند! باز هستند کسانی در این میان، سردرگم و گیج بدنبال ابداع تئوریهای جدید و جدیدتر، با وصله پيله کردن تئوریه‌ها و خطمثنی‌هایی سیاسی هر گوشه جهان، گروههای سیاسی باز هم جدیدتری تشکیل میدهند و بر این بلبشو و آشغفته بازار نظریات و تئوریهای عاریتی بیگانه با منافع و فرهنگ توده‌های مردم می‌افزایند. در جبهه مقابل گروهها و احزاب فوق، هستند کسانی که "سنن ملی ایران و ایرانیان" مورد توجه قرار داده و تنها راه نجات ایران زمین و "احیای دوران شکوفایی ایران" را تنها در برقراری سلطنت مشروطه یعنی حکومت

سفنگان گذشته میدانند! اما نقطه ختام دوران مشروطه و دوران پرتلاطم ۲۰ سال تلاش آزادیخواهان ایرانی برای ایجاد مشروطیت در ایران، کودتای سوم اسفند رضاخان بوده است. امروزه ایجاد هر حکومتی بنام مشروطیت، چیزی احیای حکومت سفنگان به رهبری دیکتاتوری فردی و مطلقه، همانند دوران سلطنت خانواده پهلوی‌ها نخواهد بود!

در این میان، باز هستند کسانی که با حرکت از سنن مذهبی و ملی مردم ایران، جهت رهایی مردم از تمامی مشکلات، شیوه زندگی ۱۴۰۰ سال و اندی اعراب بدوی را توصیه میکنند! به زعم آنان، جامعه اتوپیایی و فئاتیک آنها بغیر از دوران حکومت سلسله ولایت فقیه خمینی خواهد بود و در آن قوانین حکومت ۶ ساله حضرت‌علی و مالک اشترشان و به جز عدل و داد قانون دیگری جاری نخواهد شد! شرطی که از هم اکنون به انتخاب آنها به ریاست جمهوری خانم ایدئولوژیک فقیه بزرگوارشان یعنی آقای مسعود رجوی، همه ملت‌های ایران تن در دهند!؟

در این بازار ایدئولوژیها و سیاستها تنها کالایی که یافت نمیشود، تئوریه‌ها و خطمثنی‌هایی منطبق با رشد تاریخی توده‌های همیشه اکثریت ایران و مینتی بر منافع هر یک از ملت‌های تشکیل دهنده کشور و با در نظر داشت تمامی دستاوردهای علمی عملی دیگر ملت‌های جهان، تدوین شده باشد، است.



قدرت گرایی و گزافه گویی

قدرت گرایی مقولله‌ایست متفاوت از قدرت‌طلبی. در سیستم‌های دیکتاتوری تمامی امکانات در دست مستبدی بنام خان، امپراطور، شاه و یا ولی‌فقیه قرار دارد که سغله پروران و چاپلوسان به اصطلاح روشنفکر، آنها را با القابی چون ظل‌الله، فره ایزدی، مرکز عالم، قبله و محور عالم، آریامهر، شاه شاهان، روح خدا و... می‌آرایند.

جهت برخورداری از این امکانات بی حد و حصر مستبدین، تنها چاره‌ایکه برای مردم عادی می‌ماند سعی در نزدیکی به این

YENE MILLI DILIMIZ BARASINDA

اوتکتیلیپ آیدیلماغا مجبور ادیلدی. یازوو حاطمیز لاتیچادان روسجا اوینگندی. گویه دیرسینگ بو دیلدن باشغا دنیاده دیل یوق یالی ادیلدی. روس دیلینی "بییک روس حالقی نینگ" دیلی، "انترناسیونالیست" دیلی، "زأحمکش پرولتاریانینگ" دیلی دیپ آنگیمیزی زأهرلئدی. بیز تورکمنلرده هر حیل سسی آدیپ بیلان بوقورداق سازلاشیغی بولا- بولا، ادیل روسلارینگ آیدیشی کمین حایدارا گایدار، اسنقولا، گاسانقولی، هونگ-کونگ گونگ کونک دییدیریپ گئیأرلر و بیزینگ اینتاله گنتسیامیزام بو یاغد اینگ دوپ کوکینی بارلامادان بو آقما طاراپ گیدیپ باریارلار. یننه بیر میثال. تورکمنستان اوژ میلی ارکینلیگینی جار ادتندن سونگ، بو گنک نیرده ایزاقالاق عاراپ-پارس ترمینلری / آدالقلاری دیل بایلیغیمیزی ازیپ باشلادی، مرو، روزنامه، موضوع، ولایت، حاکیم، اطراپ یالی سوزلر میلی دیلیمیزی سوساتاوینا/حاطارینا گیریپ اوغرادی.

تورکمن دیلی نینگ ادبی دیلی، اونونگ یازوو حاطی، گراماتیکاسی و مورفولوگیاسی نینگ اوستونده بیزینگ عالیملارمیز عمرینی کول اتدیله، آتیدیلر، باسیدیلر، آغیر حویپاتلارا، کمسیتملره اوچرادیلر. کومشالی بوژی یالی یاتان یئرلری یاغتی بولانلار باریپ ۲۸-نجی ییللاردا تورکمن دیلینه آیینما ترمینلرینگ نأحیل بولمالیدیغی باراسیندا گیجه لرینی گوندیز اتدیله. شول دوورده بو مسألأ ۳ چوزگوت آغتاریلیپدی:

۱-نجی: تورکمن ادبی یازوو دیلینه تورکمنلریلین گلیپ-چیقیشی و دیلی بیر أهلی تورکی حالقلارینگ ادبی دیلینی اساس ادیپ آماق و شونونگ بیلن اوتغاشیپ اوسمنگینی قازانماق،

ایزی ۱۲-نجی ص

یئنه میلی دیلیمیز باراسیندا

هر میللته بولشی کمین بیزینگ گوزل تورکمن حالقی میزینگ هم قووانیپ بویسانار یالی، اوژان اوزین هم بای گنمیشه ایه بولان میلی دیلی بار. آتا-بابالارمیزینگ اوژ نسپلرینه یادگارقالدیران بو اگسیلمز حازینا حاتتا تورکمنلرینگ میلی دوولتلی نینگ دارغادیلیپ، ازیجیلرینگ آستیندا حورلانسان دوورینده هم مردانا دوروپ، حالقیمیزی باتیرلیغا، باشی دیک دورماغا چاغیریپ گئدی. یوننه قینانساغام ۲۰-نجی عاصیرینگ چیشیریملی یاغدایی، تورکمنلرینگ سیاسی هم مدنی دورموشیندا آغیر ضاربالار اوردی. بیر یاندان روس امپریالیزیمی آیری طاراپدان اوغانیستاندا یورئدیپ گئینیان پشتون آقالیغی، ایراندا بولسا پارس شونیزیمی حالقیمیزینگ دیل بایلیغینا یاوز تاثیر قالدیردی. اینها بو گون، شول الهنج سیاساتینگ نتیجه سینی بار تثمیمز بیلن چنکپ گئیأریس. ایراندا هم اوغانیستاندا یاشایان میلیونلرچا تورکمنلر اوژ انه دیلرینده اوقوو آلیپ بیلندیکلری اوچین تورکمنچانی دوغری گپلأپ یا- دا یازیپ بیلنئأرلر. هر ناچه سوزونگ آراسینا پارس یا-دا پشتون سوزلری قوشولیار. بو غانیم دوولتلیرینگ قول آستیندا یاشاپ گلیان حالقیمیزینگ میلی تاریخی و قادیمی مدنییتی گیزلنننپ ساقلانیانی اوچین تورکمن بالالاری اوژ حاقیقاتلارینا گوز یتتیریپ بیلنئأرلر، ادیل شو پورصاتدان بیدالانیپ گلیان شوونیست عالیم سوماقلاری، میللتیمزینگ دیلینی، تاریخی کئسیدیپ، ماسغارالاپ، اونونگ یئرینه اوژ اویدورما هم یاساما تاریخلارینی آوادانجا گوزنوشینده پروپاگاندا ادیپ، اوسوزپ باریان یاش نسپلریمیزینگ آنگلارینی زأهرلأپ گئیأرلر. بو یاغدای تورکمنستاندا هم شئله بولدی. مثال اوچین بوتین حالقارا ترمینلر روسجا آیدیلیشینا

نخبگان و سفگان...

قدرت مستبد از طریق تملق و چاپلوسی و بدگویی و حسادت نسبت به کسانی که خود را پله‌ای بالاتر، بطرف امکانات متمرکز در دست دیکتاتور مطلقه، کشانیده اند میباشد. تملق و چاپلوسی که عنصری بسیار بارز در فرهنگ استبدادی، در بیان هر ملت دیکتاتور زدغای در جهان است، در میان ملت فارس بیشتر بصورت گزافه‌گوییهای عجیب و غریب، خود را نمایانده است. این امر را در عرصه ادبیات و غزلسرایی شعرا و نویسندگان این ملت و در القاب پر طمطراقی که به صاحبان قدرت داده میشود، بخوبی میتوان دریافت. شدت گزافه‌گویی در میان این ملت، حتی مذهب وی را نیز به مجموعه‌ای از خرافات تبدیل کرده است که امروزه پایه اصلی رشد فئاتیسم مذهبی و مافیای دینی روحانیت شیعه حاکم بر ایران میباشند.

اما، قدرت‌گرایی در میان روشنفکران و نخبگان این ملت حد و مرزی نمی‌شناسد و توانایی تشخیص بیگانه و خودی را ندارد! آنها بودند که در طول تاریخ تمامی توان خود را در اختیار فاتحین بیگانه در ایران گذاشتند و با طبق اخلاص کمر به خدمت آنها و علیه ملت خودی زدند. بگذارید این مسئله را از زبان علی دشتی، یکی از اندیشمندان ایرانی بازگو کنیم:

ایرانیان مطابق شیوه ملی خود در مقام نزدیک شدن به قوم فاتح برآمدند و از در اطاعت و خدمت وارد شدند البته منظور نویسندگان از ایرانیان و شیوه ملی آنها، ملت فارس میباشند، زیرا بقیه ملت‌های تشکیل دهنده ایران امروزی، قرن‌ها بعد به دین اسلام درآورده شدند، همانند ملت ترکمن که ۱۴۰ سال بعد از حمله اعراب به ایران، بزور و با نیرنگ به این دین درآمدند. هوش و فکر و معلومات خود را در اختیار ارباب جدید خود گذاشته زبان آنها را آموختند و آداب آنها را فراگرفتند، لغات قوم فاتح را تدوین و صرف و نحو آنها درست کردند و برای اینکه فاتحان آنها را به بازی بگیرند از

هیچگونه اظهار انقیاد و فروتنی خودداری نکردند، در مسلمانی از خود عربیها پیشی گرفتند و حتی در مقام تحقیر دین و عادات گذشته خود برآمدند و بهمان نسبت در بالاترین شأن عرب و بزرگان عرب و تلاش کردند و اصل شرف و جوانمردی و مایه سیادت و بزرگواری را همه در عرب یافتند.

هر شعر بدوی و هر مثل جاهلانه و هر جمله بی‌سروته اعراب جاهلیت نمونه حکمت و چکیده معرفت و اصل زندگانی شناخته شد. به اینکه ملای فلان قبیله و کاسه لیس سفره فلان امیر باشند اکتفا کردند. افتخار کردند که عرب دخترشان را بگیرد و مباحثات میکردند که نام عربی برخوردارند. فکر و معرفت آنان در فقه و حدیث و کلام و ادب عرب بکار افتاد و هفتاد درصد معارف اسلامی را بهار آورد.

ادامه دارد

تورانی

۱- علی دشتی. ۲۳ سال. مهر ۱۳۷۳. صص ۰۲ و ۰۳

Daşarı yurtlarda yaşayan türkmen sýyası bosgunlarıň öz milli medenitlerini goramak ugrunda yeke-täk yolı türkmen milli guramasını döredip, şonuň daşına üyşmekdir. Biz öz kınçılıklarımızı özümüz çözüp bilmesek, daşardan hiç kim gelip yardım elini uzatmaz, uzadayan yagdayında diňe, bizi öz sýyasatlarıniň guluna öwürmekden başga niyetleri bolup bilmez. Atalarmız: "Türkmenе türkmenден başga dost bolmaz" diyip yersiz yere aydan daldirler.

Şol esasda herne çaltlıkda gurultayimizi geçirmäge tayarlık görüp başlayliň.

چهارم از زبان و سیالیت

(مکالمه)

اودان زاتلاری دوشه یارلئر. یوماچی سوتارلار ارکینی اوویپ، بولار یالی بیگیده قیرق قیز قوربان بولمالی' دیپپ یانگسیرایارلار. ارکین بگ قالادا گورونی- نینگ ایسلان کنیپینی ادیب، ایپ-ایچیپ، ذوق-سافا سوریار. اما اول یانی بیلن اوژ ایلیندن گنتیرنن چورنکدن گونده بیر دووم ایمنگی اونودمازدی. پارس حانینگ قالاسینا قایتمازدان اوتگ آتاسی ارکینه: 'اوغلوم، بو چورنک سنی پارس حانینگ پیس نیئتیندن قورار، اول سانگا توکتتمز هم ینگیلمز گوچ بئر' دینمیش.

ایندی حاباری کیمدن آلایلی، ارکین حانینگ ایلیندن آلایلی. ارکین باتیرینگ یورتدن چقیپ گیدنینی اشیدن اورس حان در حال پارس حانا چاپار یوللاپ، شو ماحال بو یئری یاغلاماق اوچین آمانتدیغینی یاتلادیار. ایکسی یکی یاندان ارکینینگ توپراغینی تالاپ، ایل-اولوسی قیریپ، یوردی اوژ آرالاریندا پایلاشیارلار.

نینتینه یئتن پارس حان، بنگتجیندن دونونینا سیغمان، اولی توی توتوپ، اینگ سونگک دوستلارینی باشدا اورس حانی تویا چاغیریار. اول، آیری یورتلردن باسیپ آلان، تالاپ گنترن ماللاردان نوکترلرینه بول-بول سرپایلار بئریار.

اینه، اورس حان، پارس حانینگ توینا بو واقعانینگ ایز یانی قوشولوپ دورشی ایسی. اولار شراب دولی بولغورلارینی اوژ ینگیشلری اوچین قالدیریسارلار. اورس حان، چین دوستی پارس حانینگ توینا الی بوش گئلماندیر. اول یانیندا کیچیر اچیک صاندیغینگ ایچیندن هنیز بو گونه دنگیچ گورولمندیک عجاییپ بیر توغلاق چویشانی چقاریاردا: 'اینه بو-ده مئندن فارسیه قیزیمزینگ توینا ساوغات' دییار. پارس حانینگ گورلئری بیلدیر-بیلدیر ادیب، حاولوغسیراپ چویشا الینی اوزاداندا، اورس حان چالتلیق بیلن اونونگ الینی ایزینا تسمدیریب: 'یوق، جان دوست، بو، آلیغناج

بیری بار ایدی، بیری یوق ایدی، قادیم ایاملئرده الله تاغالادان باشغا آل آسمانینگ آستیندا، جنتته منگزیان تورکمن ایلینده عادیل بیر سولطان بار ایدی. اونونگ ارکین دینن بیر اوغلی بار ایدی. بو اوغلان باتیر هم پالیوان بیر بیگیت بولوب ینتیشگنج، گنلنده ایل آغزینگا آنغق بولاردی، یوزانده دابانیندان اود چیقاردی، ناغرا دارتاندا داغلار تیرآردی. آرسلان یورنکلی ارکین، آغزی بیر ایلاتینگ سایشیندا دوشمانلارینا گون بئرمآن، ایینلترینی آوی، گنیلترینی ماوی، گوندیزلترینی گیجه ادئردی.

گونلئرده بیر گون، ظالیم طایبانینگ آق ساقغالاری، ملا-مفتی لئری بیر یئره اویشوب، ارکینینگ مآحنیتیندن دینماق اوچین کل کلئترینی قاشاپ آغیر اویا باتیب، دوزاق قوراماغینگ یوللارینی آغتاریپ باشلایارلار. آخری بیرسی: 'پارس حان، سن قیزینگی ارکینه بئرجک دیپپ اونی قالا چاغیر، شو یئرده هم اونونگ باشینی کئس، شئیدمسنگک باشغا چاره یوق' دییار. بو ماصلاحاتی همهئر ماخوللایار.

پارس حانینگ ناچه بیلدان باری آره باریپ بیلمان باریپ یاتان گنلشیکسیز، دیشلئری چویرآن، ساچلاری دوشئن، جبریه دینن بیر قارری قیزی بار ایدی، اینه شول قیزی ارکینه بئرمگی نیت اتیارلئر.

ارتمسی پارس حان دورت یانا چارپار گوندئرپ، قالاما-قالا سوکدورپ: 'پارس حانینگ اودان هم گوزل بیر قیزی بار، اول کیمی حالاسا، حان قیزینی شونگا بئرجنک، هم-ده اونسی اوژ میراث دوشئری، یئرینه پادشاه اتجک' دیپپ جار چنکدیریب، آلا-قالماغال توروزیار. جبریانیینگ بولسا چویروک دیشلترینی تایی گورولمندیک هینجی صادقلار بیلن بئجریپ، ساچلارینی آتینگ قویروغی نینگ قیللاری بیلن اوڑیب بئزه یارلئر، آدینی هم جبریه دن 'فارسیه' اویتگنئیارلئر.

گونلئرده بیر گون ایدیپ-بئیدیپ، ارکین بگی، پارس حانینگ قالاسینا گنتیریارلئر، آیاغی نینگ آستینا اینگ

حوکوم سورئن خان آتاسینینگ یئرینه بولسا پانگ میرات دین بیرسی کوژگه، تاغتا چیقانمیش.

اول آتاسینینگ یانینا باریپ، نامانینگ نامهدیگینی سوراندا، اول:

‘ اوغلم، بیرسی پارس حانینگ قالاسیندان بیر بولنجیک بیلدیر اویق سویشه گئتیردی، هر کیم اونی آجاق بولوب جان سترنک بولدی، بیر-بیرینی اولدورمنک دیرسینگمی، شوغولچیلیق دئرسینگمی، بی-نامیسیچیلیق دیرسینگمی، قاراز هر حیل اربتلیگه باش قوشدولار. اولاری هرناچه آغزیبیرلیگه چاغیرسامام، سوزومی دینگلان بولمادی. آداوچ هم حیله گار وزیریم پانگ میرات بو یاغدا ایدان پئیدالانپ، اوژونه هواندار تاپماق اوچین سویشه دئن ایسلانه بیر قشیلچاقیق بئرپ، آدماملاری جادیلاپ باشلادی، شئیدپ-م بوردونگ تاج-تاغیتنا ایه بولدی. ایندی حاجان هم نادپ بو طلیسیمی جوژوب، جادیلانن حالقی اویندیرپ بولارقا؟ دیپ، گوژلئریندن باغیر یاش دوکوب اوغرایار.

یاغدا یا گوژ یئترین ارکین، قارشیدا قی بییک داغینگ اوستونه چقیپ، شاهره سترادپ، چونگ اويا باتیار. اول حالقینینگ شئله آغیر گونه دوچار بولانديغینا قاتی توقات بولوب، یورنگی آغزیندان چیقارا گئلیپ، غام دریاسینا قارق بولیار. شو بادا روخی تنیندن اوچوب، اوژی بولسا اوللوقان بیر داشا اووریلتمیش. شوندان، گونلر، آیلار، ییلار اویتیار. کوچه دئن باریان یاشولی انه-آتالار اوغرینچا: ‘هانها، قایغیسیز آتامیزینگ اوغلی ارکین بگ اوتیر’ دیپ بالالارینا داغینگ اوستونده دونگوب دوران اپت داشی گوژکزیارلر. ارکین، شو یئردئن گوژی یاش، باغری باش ایلینه ستر ادپ اوتیر، ستر ادپ اوتیر.

آتمیرات گورگشلی

بو حکایانینگ تئماسی، اولوس قازیاتینینگ ۱۶-نجی سانیندا چاپ ادیلئن آزاد خان ناقیلیندان الهام آلیدی هم کامیللئشدیریلدی.

یاراغدیر، گوچلی پارتلاجیدیر، اونی نصیب بولسا ارکینینگ یوردینه یومورتغا توغلاپ، یئر بیلن یگسان اتجک گونومیز اولانلاریس’ دیپ بئرک سارغایار.

بو آرادا پارس حان هم اونونگ آق ساقغانلاریدیر ملا-مفتی لئری ارکینی اولدورمنلی گونی هم اونی نادپ اولدورمنلیدیگینی بئله یارلئر. اولار ارکین بگی فارسایانینگ کوژگینه ایبیرپ شول یئرده هم جلالدارلی گیزلپ قویارلار.

قیزینگ ساراینا گیرئن ارکینینگ گوژی، قوللوق ادپ یورئن قیزلارینگ ایچینده بیر قیزا دوشوب، هوش باشیندان گیدیار، اول فارسایا دال-ده حیدماتکار قیزا طاراپ یورابئریار. بو قیز تورکمن ایلیندن یسیر آلیپ قالا گئتیریلن ‘ایا سن دوغما من دوغدم’ دین قیزلاردان تورکانه ادلی قیزایدی. شو بادا کوژگینگ ایچینده گیزلنپ دوران، اللئری قلیچلی جلالدار ارکینه توپولیار. تورکانانگ شئله آودانلیغیندان هوش باشیندان گیدن ارکین، اونونگ بادلی سسینه اویناپ، قالای جلالارینگ باشلارینا یومروب، جانلارنی جاشئنه ایبیریار. ارکین بیلن تورکانه ویرانا اووریلن قالانینگ حارابالارینینگ آراسیندا گزپ، پارس حانینگ جان چوشه سینی تاپپ، اونی یئر اواریپ، دوویار، ادیل شول بادا گینگ بیر دئرونزه پئیدا بولوب، ارکین، تورکانانی آلیپ قیر آتینا مونیپ، اوژ ایلینه اوغرابئریار.

ارکین شاهرینگ دئرونزئسیندن گیرئن بادینا، یورته انچه اویگئشیکلیگینگ بولانديغینی آنگیار. بیر توپار آدمینگ ایرکیلیپ، بیر گوژلئرینی یوموب، بیرسینی زوردان آچپ، تئتران سئسلئر بیلن گورلئشیا ندیگینی، آنگیراق باراسا یئنه بیر توپارینگ انتک زادینگ اوستونده بیر-بیرلئری بیلن یاقلاشیپ دورانديغینی، قار اوللارینگ گونالینی دال-ده گوناسیزی توتوب آلیپ گیدیاندیگینی گوروب قاتی گنگ قالیار. انچه ییلاپ ایل قایغیسیندان باشغا قایغیسی بولمان، شونونگ اوچین-م قایغیسیز آدینی آلیپ، عادیللیقدا

میلی کالینداریمیزدان: دسامبر آیینیڭ واقعالاری
Milli kalendarımızdam: December ayiniň wakalari

ایران-روس دوولتلرنی نینگ الهنج شرط ناماسی اساسیندا تورکمن توپراغی نینگ ایکاً بولونمگی، اترک-گورگن ایلی نینگ ایرانا بئرلمگی.	۹ دسامبر ۱۸۸۱
کوموش دفلی اوغان قاضی نینگ تورکمنلرینگ آیدندان ایران مجلسینی نینگ ۲-نجی تاپغیر سایلوینا وکیل سایلتماگی.	۵ دسامبر ۱۹۱۵
روس قیزیل قشون گنرال لاری فروزه بیلن کوییشیفینگ تورکمنستاندا میلی دوولتی آعداریپ، یورته قایتادان بولشویک دوزگونی نینگ دیکلمگی.	دسامبر ۱۹۱۹
آشغاباتدا رادیو ایستگاه سنینگ ایشلاپ باشلامگی.	۲۲ دسامبر ۱۹۲۲
توده پارتیاسی نینگ کومت قاویز شاهر بولومی نینگ باشلیغی غایب باهله و آرقاداشلاری قوربان رابطلو، قوربان تکه، ولیجان آخون وافی نینگ توساغ ادیلمگی	۱۶ دسامبر ۱۹۴۶
بندر تورکمنده ۷۰۰، کومیش دغه ده ۳۰۰ سانی آدام یئرلی حاکیملرینگ مجلس سایلویندا قالب ایشلر آلیپ باریاندیقلا رینا پروتست حوکمینده تلگرافحانالارینگ اوتگنلرینده سیاسی اوتورشیق (تحصن) ادیارلر.	۲۴ دسامبر ۱۹۵۱
ایران-شوروی دوولتلرنی نینگ وکیللرنی نینگ، چنکیلن آراچگی بئرک کانترول ادمنک اوغروندا سنگر دغه ده دوشوشماقلاری.	۲ دسامبر ۱۹۵۴
تورکمنستانینگ داشاری یورتلر بیلن دوستلیق و مدنی آراقتاشیقلار باراسینداقی جمعیتینگ دورندیلیمگی.	۸ دسامبر ۱۹۵۸
آشغاباتدا حالق فیلامونیاسی نینگ دورندیلیمگی.	۵ دسامبر ۱۹۶۲
تورکمن سینماسی نینگ دویبونی توتان آلتی قارلی نینگ آرادان چیقماگی.	۱۱ دسامبر ۱۹۷۳
تورکمنلرینگ آیدندان مهین گرگانی نینگ ایران مجلسینه وکیل سایلتماگی.	۱۸ دسامبر ۱۹۷۳
گورنوکلی یازجی آمان ککیل ینگ آرادان چیقماگی.	۱۳ دسامبر ۱۹۷۴
کومت قاویزدا اویا شورالاری نینگ ۹-نجی قورولتایی نینگ گنچیریلیمگی.	۷ دسامبر ۱۹۷۹

تایپارلان: آقمیرات گورگنلی

TOPRAGIMIZI PARÇALAN DÖWLETLERDEN BU GÜN NE NAM GALDI, NE-DE NIŞAN, OLARIÑ BARI CÄHENNEMENIÑ TEYINE GIDEN BOLSLARAM, BU CENAYATKARLARIÑ GALDIRAN ŞUM MIRASI ÖZ GÜYCÜNI SAKLAP GELYÄR. ADAMZADIÑ AKILA SIGMAYAN DERECEDE ÖSYÄN BIR DÖWRÜNDE TÜRKMEN TOPRAGINIÑ PARÇA-PARÇA BOLUP DURMAGI INSANIYATA GELIŞMEYÄN ACI WAKA BOLUP DUR.

بینه میلی دیلیمیز حاقیندا

۲-نجی: تورکمن ادبی دیلینه اکتبر انقلابدان اوتنگ کلاسیکلارینگ اوزالی بیلن بییک ماغتمغولی نینگ دیلینی اساس ادیب آماق و دیلینگ شول اساسدا اوسمگینی قازانماق

۳-نجی تورکمن ادبی-یازوو دیلینی بوتین لئین تازه چه تورکمن طایپالاری نینگ گپلئشیک شیوه سی اساسیندا اوسدورمئک.

شول دووردیکی عالیملارمیز تورکمن ادبی دیلی نینگ اهلی تورکمنلره دوشنوکلی بولماغی اوچین بوتین تیره-طایپالارینگ آراسیندا بار بولان سوزلر هم ترمینلردن پیدالانماغینی اوتنگه سوریدیلر. اما کوم پارتیانینگ ایده یالاری اوغروندا قول بولان کیشی سوماقلار، مونینگ دئرنگینه دینگه روس آدالغلاردان پیدالانماغی ازنده یاردیلر. اولارینگ قبله گاهلری و مانگلای لارینی سجده اتدجک یئری ماسکاو انینگ کرملی دی. ۱۹۳۰-نجی ییلینگ مای آییندا اشغاباتدا گنجیریلن ۱-نجی تورکمن دیل قورولتاییندا عاجایب قارارلار قبول ادیلدی، شولاردان بیریس بولسا، تورکمن ادبی دیلینی یاد و آیینما سوزلردن اساسانام عاراپ-پارس ترمینلردن آراسالاپ، اونونگ یئرینه قادیمی تورکی دیلدرده بار بولان سوزلردن پیدالانماق گوز اوتگونه توتولدی. شول قاراردا تورکمن دیلینی اهلی تیره-طایپالارینگ دیل بایلیغی اساسیندا اوسدورمئک، حالقارا ترمینلرینی یورویا اساسیندا دوزمک و اونسی دیلی نینگ قادالارینا اوغونلاشدیرماق یالی مسئله لر ماقصات ادیلدی. اما قینانساغام بو عادالتی طالاپلار کوم پارتیانینگ و دولت سیاساتی نینگ باهیبیدی اوغروندا قوربان ادیلدی، و بو پیکیرلری آرا اتان

کیشیلر بولسا میللتچیلیکده یانالیپ بارسا گنلمنز یولا ایئریدلی.

ایندی بو گون توپراغمیزینگ اینگ اساسی بولومینده یاغنی تورکمنیستان جمهوریتینده تورکمن آدیندا بیر دولت بار، بو دولت میللتیمیزینگ دیلینی آراسالاشدیرماقدا، بایلاشدیرماقدا، شئیله هم قونگشی ایراندیر، اوغانیستاندا یاشایان تورکمنلرینگ دیلرینی اوسدورمئک یولوندا آغیر بورجی نینگ باردیغینی اونوتمالی دالدير.

نوری دردی

Zelili:

Yesir bolup munda gelip,
Candan doyan yalı boldum.
Yağşı meylisden ayrılıp,
Göye çopan yalı boldum.

Garıplık aldı guwati,
Çeker boldum muşakgati,
Yüz müñ gaygı-garamatı
Başa goyan yalı boldum.

Howp aldı aklîñ öyüni
Aldırdık iyliñ yerini
İndi Wataniñ şükürini
Yağşı bilen yalı boldum.

Görmedim köñül çağını
Aldırdım yürek yağını
Çekip Wataniñ dagını
Oda köyen yalı boldum.

Näler gördük zalım handan
Ayırdı eziz Watandan
Zelili diyr şu mekandan
Göye doyan yalı boldum.



تورکمنصأحرادا بوقورداق راک کسلی حاقیندا

کومت قاویزلی قازیات حابارچیسی مانگصیر آقینگ بو حاقدا تایارلان حاباریندا شأهرینگ اولی کسئل حاناسی نینگ بناسی نینگ یاریم-یالتا اورتا یولدا تاشلاتاندیغیندان، سئرقوو بنده لرینگ یوزلرچه کیلومتر یول سوکوپ ماشاتدیر تاهرأن کسئل حانالارا گیمآگه مجبور بولیاندیقلاریندان، شئيله-ده راک کسئله قارشى اینگ ضرور بولان سیتی اسکن City sken انجامینگ آلیماندیغی بیان ادیلیدیر.

یئرلی گئلنده آیتساق مرکزی حوکومتلر تورکمنلرینگ پاختاسینی، آرپا بوغداینی، اشبیل و باشغا بایلیقلارینی تالیار ولین اونونگ دئرئگینه تورکمن توپراغیندا ساغلیغی ساقلایش مسئله سینه سئر اده نوق کسئل حانالارینگ سانى جودا آز، دکترلارینگ سانى اوندانام آز، درمان تاپیلانوق، بو یاغداى اوبا یئرلئرینده قاتى پس دئرئجه ده. تورکمنصأحراده 'گئجه یان' آدی بیلن تانالیان بوقارداق راک کسئلی باریپ ۶۵-نجی ییللردان باری ایرانینگ ساغلیغی ساقلایش مرکزی راپورتلاریندا هر ییلدا دیین یالی اورتا آتیلیار. اما هنیز بو گونه چئلی بو کئسل بیل دوپیلی گوره شیلمان گلیار. بوتین تورکمن توپراغیندا اونگا قارشى گورئشیلیمان بیر مرکز دوره دیلمان گلیار.

* بو ماقالا مطبوغاتا سالغیلانیب تایارلاندى.

۱. هر بیر آدامینگ بیر یئردن باشغا بیر یئره ارکین گیدماگه و هر بیر دوولنتینگ چاکلئرینده اوزونینگ یاشاجاق یئرینی سئچیپ آماغا حقوقی باردیر.
۲. هر بیر آدامینگ ایسلان یوردونگ، شول ساندا اوز یوردونی-دا تاشلاپ گیدماگه و اوز یوردونا قایدیپ گئلماگه حقوقی باردیر.

انسان حاقلاری نینگ اهلی عموی جارناماسی نینگ ۱۳-نجی ماده سی

حالقارا ساغلیغی ساقلایش قورامانینگ یایان سونگى راپورتیندا دؤنیاده ایران توکمن صأحراسی بوقورداق راک کسئلی آداملارینگ سانى نینگ اینگ کوپ اولکه سی دیلیپ گورکئزلیپ دیر. راپورتا گورا دؤنیاده هر ۱۰۰ آدامدان ۱۵، ۲۰ سی بو کسئله دوچار بولسالار بو سان تورکمنصأحراده ۱۸۰-نه باریپ یئتیار. دیمنک تورکمنلرده بو سان دؤنیاً قارانگدا ۱۰ اسسه دن -م آرتیق. ایرانینگ ساغلیغی ساقلایش مینسترلیگی و یوردینگ دکترلاری هنیزه چئلی مونونگ دوپ سئبأبیینی آچیقلامان گلیارلر. لوقمانلار، گئنئتیک سیستمی، اتیک، کلیمات، پیدالانیمان هوا، سوو، قیزغین چای، ناس، چیلیم، شورلی تاغاملار، قویون سويدونی ایچمک یالی زاتلار بو کسئلینگ سبأبکاری دیپ چن ادیارلر.

ایرانینگ راک کسئله قارشى گورئش جمعیتی نینگ اکسپرترلی نینگ گئچیرئن یاریم-یالتا بارلاغلاریندا هم بو بئلینگ نامه اوچین تورکمنصأحراده کوپ یایریشی باراسیندا هیچ حیلی آچیقلاما یوق. بو مرکز گئچن ییل حازار یاقاسی بندرتورکمن شأهر یاشایجیلاری نینگ ۳۰ یاشدان یوقاری ۴ مونگ سی نینگ آش قازانلاریندان بولئجیکلر آلیپ، لابراتوار سیناغلاریندان گئچیردیلر. شأهرده ایکینجی گئزک گئچیریلیان بو سیناغا، تاهراندان یوریته گئلن ۱۷۵ سانى دکتر ۱۰ گونلأپ بندرتورکمن هم اونونگ اوبا یئرلئرینده یئرلئشن ۸ سانى پالی کلینیکلارینا آیلانیب چیقیدیلر. بو سیناغدان ۳۰ یاشدان یوقاری اهلی تورکمنلر تاقمین ۱۲ مونگ آدام گئچیریلجک دیپ گئلن باش دکتر نیغتاپدیر. کسئلینگ عالاماتی قانینگ آزالماعی(همو تالاسمی) هم آغرامینگ کئئلمئگی، آش قازان ناسازلیقلاری دیلیپ بیان ادیلیدیر.

مازندرانینگ راک کسئل لیلره حمایت جمعیتی نینگ مدیری دکتر موحدی نینگ آیتماغینا گورا حاساباتا آنسان هر ۱۵۰ سانى سئرقاوینگ ۹۱% -سی درمان یئمئزچیلیک سبأبلی آرادان چیقیدیلر. اونونگ بئله منگینه گورا بو کسئله دوچار بولانلارینگ ۵۲%-نی ارککلر، ۴۸%-نی بولسا عایال لاردیر.

21-AZER/ 12- DECEMBER**OLAYI**

1945-nci yilñ 12-nci Decemberinde Guney Azerbaycanda göreşceñ insan Pişeveriniñ yolbaşçılığında milli avtonom cemhuriyeti resmen car edildi. İki yıl uzaga çeken bu gutsal zamanında *Azerbaycanda milli parlemant, milli goşun, milli pul yörelgä girip, edebiyat, ince senet we musigida günsayı ösüşler gazanıldı. Tebriz Universiteti* esaslandı we Azerbaycan halkiniñ kulture, ilma köp sarpa goyyandığı ap-aydñ orta çikdi.

Beyle ösüşleri göre bilmeyän Tehran fanatikları, rus bolşevikler hem-de olarıñ gulları Tudeh partiyasi, ortak bir plan esasında 1946-nci yilñ 12-nci Decemberinde/ 1325-nci yilñ 21-nci Azer ayında Azerbaycan topragini gana çaykap on münlerçe azeri gardaşlarımızı şehit etdiler.

Türkmenler 1945-nci yıldan bari öz azeri gardaşlarınıñ milli hareketlerinden arka çikip gelyärler. **Biz yine bir gezek Azerbaycan milli, demokratik döwlet döretmek yolunda şehit bolan insanlarıñ gaşında baş egip, birleşen, erkin we güyçli AZERBAYCAN döremegini arzuw etyärıs.**

اخـ

تورکمنیستان ۲ دسامبر ۹۷: بنا به تصویب پرزیدنت نیازوف، تمامی ایرانیانی که در کشور ترکمنستان زندانی هستند تحویل مراجع قضایی ایران می‌شوند. جرائم عمده این زندانیان قاچاق مواد مخدر و ورود غیرقانونی به ترکمنستان ذکر شده است. در رابطه با صدور این فرمان در محافل پناهندگان سیاسی ترکمن مقیم ترکمنستان نگرانیهایی بوجود آمده، مخصوصاً که دوبار بجان آخوند ارزانش رهبر ملی و دینی ترکمنها سوغقصه گردید و عاملین آن با سفارت ایران در آشغابات رابطه داشتند.

کومت قاویز (گنبدقابوس) - در پی تصویب استان گرگان توسط مجلس ایران، یعنی بدون توجه به حقایق آماری منتشره از سوی خود و خواست اهالی ترکمن که کومت قاویز از گرگان از هر جهت شایسته مرکزیت استان جدید را دارد، اینک مجلس رژیم در نشست هفتم دسامبر نام استان جدید بجای گرگان، گلستان اعلام نمود. بگمان ما قصد حکام ایران از این کار زدودن هر آنچه که رنگ و بوی ترکمن را می‌دهد می‌باشد. چه گورگن (گرگان) در اصل سرزمین ترکمنها بوده و در نتیجه سیاستهای شوونیستی رضاخان نام گورگن به گنبدقابوس تغییر داده شد.

خوانندگان گرامی! با کمکهای مالی و معنوی خویش ما را در تداوم کارمان حمایت نمایید. نشریه خودتانرا به دوستان و آشنایان خود معرفی نمایید. جهت ارسال کمکهای مالی:

TÜRKMEN KF- GEÑEŞI POSTGIRO NR: 4549720-3

GEÑEŞ, INTERNET-de: <http://www.informatik.umu.se/~svpv9628/gengesh.html>

Post adresimiz:

TÜRKMEN GEÑEŞI

BOX: 47064

402 58 GOTHENBURG

SWEDEN

E-mail: Gurgen_a@hotmail.com

مقالات مندرج در "گنگش" صرفاً بیان نقطه نظرات نویسندگان آن بوده و چاپ آن در نشریه بمعنای تأیید دیدگاهها مطروحه در آن نمی باشد. خوانندگان عزیز! در صورت امکان مقالات ارسالی تان تایپ شده و حداکثر ۲ صفحه A4 باشد.

Türkmençe makalaları tayıp edip, ya-da düşnükli hatda yazıp göndermeñizi hayiş etyärıs.